

قتل گاهی به بزرگی ایران

پروانه قاسمی

دستگیری، شکنجه، اعدام
مبارزه و مقاومت
مردان و زنان غیور
آنانی که به پای چوبه های دار رفتند
یا تیرباران گشتند
آنانی که در زندانها
سلامتی خود را از دست دادند
از چه بگویم؟
انسانهایی که هرگز انسانیتی ندیدند
آنانی که کودکی، نوجوانی و جوانی
خود را در زندانها گذراندند
غنچه هایی که نشکفته
به دار آویخته شدند
آنانی که قتل عام شدند و می شوند
از چه بگویم؟
از چشمان گریان مادران
از شکم گرسنه کودکان
باز از زندان، شکنجه و اعدام جوانان

...

وای بر من
از چه چیز باید چشم بپوشم؟
چرا ببخشم و فراموش کنم؟
تا دوباره و هزار باره
جنایات خود را تکرار کنند؟

...

نه! نه! دیگر از تکرار تکرارها به تنگ آمده ام
شنیدن ضجه مادران
دیدن کودکان در انتظار
پدران و مادران در بند
چهره خون آلود عاشقی بر خاک
عاشقان در بند جلادان
پر پر شدن عشق در دست دژخیمان
نه! نه! بر همه شان
نه! بر سیاهی شان نه بر سبزی شان

نه! بر قاتلان نه بر مزدوران

...

آری! بر مقاومت، بر ایستاده گی

آری! بر مبارزه برای آزادی

آزادی عاشقان در بند

آزادی کودکان فردا

لبخند مادران در رنج

۰۹-۰۲-۲۰۱۰

Ghassemi2@yahoo.ca